

حرف درشت

مصاحبه با صندلی

پوریا عالمی

● ما: سلام. لطفا خودتان را معرفی کنید و بگویید از کی صندلی شدید.

صندلی: من از وقتی مسئول شدم صندلی شدم؛ یعنی اولش کم‌کم تبدیل به چوب شدم و بعد از مدتی از بس چسبیده بودم به صندلیم، شبیه صندلی شدم. ما: شما قبل از اینکه صندلی بشوید، خیلی شعارهای قشنگی می‌دادید و می‌گفتید فکر مردم هستید. چی شد؟

صندلی: واقعا هم همین‌طور، ولی این صندلی مسئولیت یک‌طوری است که وقتی روش میشینی دیگر نمی‌توانی بلند شوی.

ما: آیا مشکل از شماست یا از صندلی؟

صندلی: واقعا مشکل از من نیست. خیلی صندلی‌ها هستند که می‌شینی روشن و بعد بلند می‌شوی؛ مثل صندلی دندان‌پزشکی که من بارها نشستم روش و بلند شدم، اما این صندلی مسئولیت... آخ... یک‌طوری است که میشینی دیگر بلند نمی‌شوی.

ما: با توجه به اینکه شما صندلی شدی، مسئولیت کارهایی که روی زمین می‌ماند چیست؟

صندلی: مسئولیتش با زمین است دیگر.

ما: با توجه به اینکه شما صندلی شدی، مسئولیت شعارهایی که به مردم دادی چی می‌شود؟

صندلی: مسئولیتش با مردم است دیگر که به شعارهای من گوش کردند.

ما: اگر شما واقعا کاری به مردم نداری، چرا از روی این صندلی بلند نمی‌شوی و نمی‌روی خانه؟

صندلی: چون این صندلی را دوست دارم.

ما: اگر عین همین صندلی را برایت بخریم و بگذاریم توی خانه‌ات، قول می‌دهی بروی؟

صندلی: نه؛ هم باید اونجا هیچ کاری نکنم. هم باید حقوق بگیرم. هم رانت داشته باشم، هم کار همه لنگ من باشد.

ما: با توجه به اینکه مشکل سوخت در جهان وجود دارد و از طرفی زمستان هم هست و هوا هم خیلی سرد است و گاز هم قطع شده، شما جان می‌دهی برای شومینه.

صندلی: از آنجا که من مسئولیت دارم، مصنویت سیاسی هم دارم. شما اگر به من دست بزنی، به اموال عمومی آسیب زده‌ای!

ما: پس ایشالا همین‌طوری صندلی بمانی و از یادها بروی و بمانی زیر آفتاب و باران و بیوسی و خلاص.

حرف درشت

نام شش مسئول را که تبدیل به صندلی شده‌اند با رسم شکل بنویسید. (۵ نمره)

تکته

۴ پرده از یک مأموریت ممکن

سامانه مرادی

● ۱). خشکم زده بود، او همچنان حرف می‌زد، اما همان یک جمله‌اش توی مغز من تکرار می‌شد «برای دوختن هر ماتو هزار تومن بهمون دستمزد می‌دن». در این چند سال، ما صدها مورد مانند این را دیده و شنیده‌ایم؛ درباره مفت‌خریدن کارهای تولیدی‌شان، درباره کارندان به مهاجرها، درباره به‌دندان‌کشیدن و بزرگ‌کردن بچه‌ها با هیچ، درباره به‌موقع‌ندان پول کارها، درباره دوربودن راه روستا، درباره سنت‌هایی که موافق کارکردن زنان نیستند و.... شنیدن روایت‌های این‌چنینی موجب شد شروع به کار کنیم و دستادست به‌عنوان یک کارآفرینی اجتماعی غیرانتفاعی (کسب‌وکار اجتماعی) با رویکرد تجارت عادلانه متولد شد. کارآفرینی اجتماعی به معنی حل مشکلات اجتماعی با استفاده از مفاهیم کارآفرینی است و تجارت عادلانه پرداخت قیمت منصفانه به تولیدکننده، وجودداشتن کار کودک، عدم تبعیض بین زن و مرد و... را تضمین می‌کند. در دستادست، ما مأموریت اصلی‌مان را توانمندسازی با به عبارت درست‌تر توان‌افزایی و قدرتمندترکردن تولیدکنندگان محصولات دست‌ساز با اولویت گروه‌های به حاشیه رانده‌شده مثل زنان سرپرست خانوار، روستایی، مهاجر و... قرار دادیم.

۲) چهار سال پیش، زمانی که برای اولین‌بار ایده دستادست و تجارت عادلانه به ذهن‌مان رسید، تصور نمی‌کردیم روزی برای خریدن یک مینی‌بوس به‌عنوان اولین فروشگاه سیار تجارت عادلانه کارزاری راه بیندازیم. سبب را بالا انداختیم، هزاران چرخ خورد. ما هم اینجا، روی زمین، شکست خوردیم، بلند شدیم و یاد گرفتیم. در نهایت به نقطه‌ای رسیدیم که ناگزیر به اتخاذ تصمیمی مبنی بر فروش حضوری به شکل سیار شدیم؛ زیرا بر اساس تجربه‌های برآمده از سه سال کار دریاقسیم که بیشتر خریداران محصول‌های دست‌ساز خرید حضوری را بر خرید آنلاین ترجیح می‌دهند. مدتی را صرف تحقیق و بررسی درباره انتخاب بین دو گزینه فروشگاه سیار و ثابت کردیم تا بهترین مسیر را برای ادامه راه‌مان انتخاب کنیم. بنابراین کارزار «مأموریت ممکن» با هدف خرید مینی‌بوس و فراهم‌کردن هزینه‌های اولیه فروشگاه سیار ایجاد شد. اگر علاقه‌مند بودید در به‌واقعیت‌پیوستن این رؤیا نقشی داشته باشید، صفحه ویژه کارزار «مأموریت ممکن» را ببینید!

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۳ دی ۱۳۹۶ ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ ۳ ژانویه ۲۰۱۸ سال یازدهم • شماره ۳۰۵۱ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹ اذان مغرب ۱۷:۲۳ اذان صبح فردا ۵:۴۵ طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنفرها

کار تون خواب

مهدی عزیزی

در حاشیه مداخلات توییتری ترامپ



زنانی که من دیده‌ام

جهانی از آن خویش

زهرآ عمرانی

در اتوبان تهران- قزوین که می‌افتم و از این شهر پردود و آشوب و جادویی دور می‌شوم، هوا پاک که به مشامم می‌خورد و استواری کوه‌ها چشم‌انم را می‌نوازند، هربار از خود می‌پرسم ما را چه می‌شود که به این شهر بازمی‌گردیم؟ برای مایی که زاده و بزرگ‌شده تهران هستیم، کندن از این شهر بیمار جسارت می‌خواهد؛ جسارتی که یاری‌مان کند تا از تقدیر و جبر و جذبه و جادوی کلان‌شهر بگریزیم و جهانمان را خود بسازیم، آن‌گونه که شایسته‌مان است. شیرین پارسی می‌دانست شایسته چیست و جسارتش را داشت که آنچه را که به آن باور داشت، به دست آورد و اگر نبود بسازد و بعد به دستش آورد.

حدود ۱۴ سال قبل برای اولین‌بار در مورش شنیدم. به بهانه برنج‌کار و کشاورز نمونه کشوری‌شدن، در حوزه کارآفرینی زنان اسمش سر زبان‌ها افتاده بود؛ زنی ازفرنگ‌برگشته، با تحصیلات ادبیات فرانسه که در روستایی نزدیکی رشت زندگی می‌کرد. برخلاف عموم شالی‌کاران، بسیار ریزنقش بود و در گپ‌وگفتی که با او داشتم، فهمیدم اصلا اهل گیلان نیست؛ در تهران با وجود بسازنی، آن‌گونه که شایسته‌مان است. شیرین پارسی صورت می‌شد و مدتی است که برج قهوه‌ای نیز به تولیدات آنها افزوده شده است. شیرین در چندین نهاد مدنی دو حوزه محیط زیست و توانمندسازی زنان نیز فعالیت می‌کند. برای رونمایی از فیلم «شاعران زندگی» در خانه‌اش جمع شده بودیم؛ آشنایانی که شیرین، همسر و فرزندان‌ش برای خود در روستا بنا کرده‌اند؛ خانه‌ای که نه‌تنها طرح و نقشه که خشت خشت آن را خودشان ساخته‌اند. در خانه شیرین به روی تمامی دوستانش و پنجره خانه او به سوی سبزی مطلق شالیزار گشوده است. شیرین و فرزندان‌ش که ناهار را روی میز می‌چیدند، من به منظره جادویی پنجره خیره شده بودم. نگاه سرشار از تحسین رختان بنی‌اعتماد به این زن، سخنان سعیده قدس (بنیان‌گذار محک) در مراسم رونمایی از فیلم و نکات و خاطراتی را که فیروزه صابر همیشه از شیرین پارسی روایت می‌کند، در ذهنم مرور می‌کردم و به این فکر می‌کردم این چیست که همه ما را به تحسین این زن واداشته است. شیرین پارسی سرگذشتی عجیب دارد، اما باورم این است که بیش از سرگذشت او، این نگاهش به زندگی بود که همه ما را به وجد آورده بود و جساتش برای زندگی‌کردن. او زندگی را عاشقانه دوست دارد و در طول تمام این سال‌ها کوشیده تا زندگی‌اش را آن‌گونه که شایسته خود و اطرافیانش است بسازد. محل سکونت، همسر محبوب، شغل و شیوه زندگی‌اش را خود برگزیده است. به او که می‌نگرم و از منظره چشم‌نواز پنجره خانه‌اش که دنیا را می‌نگرم، انکار جسورتر می‌شوم برای زدن به جاده‌هایی که دورمان می‌کند از تقدیر و جبر جادو، برای دنبال‌کردن رؤیاهایی که تحققش جهانمان را زیباتر می‌کند.

«فیلم «شاعران زندگی»، به کارگردانی شیرین برق‌نورد، راوی داستان شیرین است.



فریدون مجلسی

سال ۲۰۱۸ برای ایران همراه با حوادث داخلی و بین‌المللی آغاز شد که نیاز به مدیریتی منطقی، معقول و راهگشا دارد. در عرصه بین‌المللی مثلتی متشکل از ترامپ، محمد بن‌سلمان و البته نتانیاهو از پیش‌هم‌سوگند شده‌اند که بر آشفتگی دامن بزنند. بن‌سلمان که از ابراز آرزو و برنامه‌اش درباره کشاندن عرصه جنگ به داخل ایران ابایی نداشته است که تمایل به برقراری سلطه‌ای خلافتی بر منطقه و انتقام از شکست‌های عربستان در حمله به عراق و سوریه و یم محرک اصلی آن است. نتانیاهو هم که خود را طرف جنگی اعلام‌شده اعلام کرده و در مقابل شعار نابودی اسرائیل با شعاری متقابل تلافی می‌کند. آمریکا نیز پیشینه ۴۰ سال خصومت متقابل و ایران‌هراسی و ایران‌ستیزی همراه با مزاج نامتعادل ترامپ مشغول بهانه‌جویی برای تسویه‌حساب است. مسئله گره‌خوردن مسائل داخلی و بین‌المللی ایران به‌قدری مهم است که تحولات دیگر را در سایه قرار می‌دهد. برجام راه‌حالی تنفس اقتصادی ایران را تا حدودی گشوده است. اما با توجه به اینکه شرکت‌های

تجربه دیگران

تبلیغاتی از جنس کره شمالی

● سی‌ان‌ان: مجموعه پوستره‌ای تبلیغاتی کره‌شمالی، جهانیان را شگفت‌زده کرده است. یکی از تحلیلگران دانشگاه استنفورد با کمک دوستانی که داشته است، توانسته بیش از صد پوستر را جمع‌آوری کند. این پوستره‌ای اخیر که هم‌زمان با تهدیدات دوطرفه آمریکا و کره‌شمالی است جالب توجه است. اکثر آنها اقدامات و سیاست‌های کشاورزی جدید را ترویج می‌کنند و جایگزین صحنه‌های خشونت‌آمیز که معمولا با تبلیغات کره‌شمالی ارتباط دارد، شده‌اند؛ پوسترهایی که کار سخت و همبستگی را تشویق می‌کنند، با تصاویری از شهروندان که با لبخند مشغول فعالیتی هستند و تصاویری که در آن شهروندان اتفاقات مهم ملی را جشن گرفته‌اند. ۲۵ پوستر آن در یکی از گالری‌های شهر هنگ‌کنگ به نمایش درآمده است. سی‌ان‌ان با زلوگر (جمع‌آوری‌کننده این پوسترها) و مدیر موزه فلورین‌نوته در مورد عناصر طراحی پوسترها که اغلب نادیده گرفته می‌شوند صحبت کرده است.



زنان نقش برجسته‌ای در این پوسترها دارند. روی یکی از پوسترها نوشته شده است: «اجازه دهید، ما بهتر مدیریت می‌کنیم، پیونگیانگ پایتخت ناوآوری».

سربازان نشان‌داده‌شده در پوستره‌ای ضدآمریکایی (با ضدژاپنی) معمولا مرد هستند، اما زنان اغلب برای پیام‌های مربوط به کشاورزی و صنعت استفاده می‌شوند.

زلوگر گفت: «کشاورزان تقریبا همیشه لیخند می‌زنند، زنان سیاست‌های جدید کشاورزی را ترویج می‌کنند، تعداد خرگوش‌ها را افزایش می‌دهند و تولید پنجه را بیشتر می‌کنند. در این پوسترها تعداد زیادی از زنانی که در زمینه موضوعاتی که مربوط به کار یا علم فعال هستند حضور دارند».

مقامات کره‌شمالی، مانند هر جای دنیا، از پوسترها به‌عنوان شیوه‌ای برای انتشار اطلاعات عمومی استفاده می‌کنند. با دسترسی محدود به اینترنت و تعداد انگشت‌شماری از کانال‌های تلویزیونی مجاز، انتشار پوستر یکی از مؤثرترین راه‌های اطلاع‌رسانی به مردم سراسر کشور است. زلوگر گفت: «یک پوستر برای روز ملی سرشماری در سال ۲۰۰۸ تولید شد. «همه می‌دانستند که برای انجام سرشماری باید در خانه باشند».

کره‌شمالی همچنین تعدادی پوستر ضدسیگار تولید می‌کند، چراکه در سال ۲۰۰۵ به کنوانسیون سازمان بهداشت جهانی در مورد کنترل دخانیات پیوسته است. سازمان بهداشت جهانی گزارش می‌دهد که این کشور هرساله روز جهانی تنباکو را به طور مفصل جشن می‌گیرد».

روی یکی از پوسترها نوشته شده: «اجازه دهید برق بیشتری برای میدان‌های جنگی فراهم کنیم؛ جایی که کشور‌های جدید را شکست می‌دهیم.»می‌توان از تبلیغات کره‌شمالی برای ردیابی تغییرات در داخل این کشور استفاده کرد. از لحاظ تاریخی، پوسترها اولویت‌های رهبری این کشور را در هر لحظه مشخص منعکس می‌کنند. برخی از پوسترها سبک جدید زندگی به‌نوعی نشان داده شده است. از رنگ‌های بیشتر و شادتری نسبت به گذشته استفاده می‌شود و اعلام می‌شود کره‌شمالی یک کشور قرن ۲۱ است.

سلام به فردا

برآوردی اجمالی از آشتگی‌های سیاسی سال ۲۰۱۸

تدریجی و فرسایشی است تا با ایجاد مضیق طرف را از پای درآورند. در شرایط اخیر که نمایش‌هایی برای تضعیف هرچه بیشتر دولت رخ داد، ناگهان با واکنش‌های تحریک‌شده متفاوتی مواجه شدند که می‌توانست یادآور حوادث مشابهی در منطقه باشد. تحولات ایران موجب شتاب بیرونی در انجام آن‌گونه برنامه‌ها شد که شتابزدگی از تأثیرگذاری آن کاست. با توجه به اعلامیه مشترک سران کشور‌های اسلامی در استانبول که پس از وعده ترامپ به انتقال پایتخت اسرائیل به بیت‌المقدس صادر شد و امضاکنندگان، در جلسه رئیس‌جمهور ایران السزام اسرائیل به اجرای قطع‌نامه‌های شورای امنیت و عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی و تشکیل دولت فلسطین را خواستار شدند، تصور می‌رفت و می‌رود مسیری برای ممانعت از بهانه‌جویی‌های اسرائیل و آمریکا گشوده شود که بی‌ابطگی جایگزین هراس و ستیز دوجانبه شود و ایران حمایت خود را در قالب جمعی کشور‌های اسلامی قرار دهد. این چشم‌انداز بستگی به این دارد که نهادهای خارج از دولت تا چه اندازه از این شیوه حمایت یا در مقابل آن ایستادگی کنند. تصور می‌رود با پیروی از عقلانیت بتوان ایران را نیز مانند هر کشور دیگر جهان وارد عرصه بانکی و تجاری بین‌المللی کرد که متضمن اشتغال و شکوفایی اقتصادی و احترام از جنگ خواهد بود.

واکنش

رمانتیسیم رایج -۱

مردان ... این موجودات خیالی-از سلامت روانی کامل برخوردارند و همگی شوالیه‌هایی‌اند که علاوه‌بر شوالیه و جوانمردبودن، دارای شغل و امکانات مالی و تمکن کافی‌اند. در این دنیا، یگانه کسانی که نیاز به آموزش‌وپرورش و منع قانونی برای خودداری از خشونت ندارند، مردداند، اما یگانه کسانی‌اند که حق تادیب و آموزش دیگران را دارند. در دنیای ایشان، علاوه‌بر فرزندان سرراهی، به قول وزیر کار، پدیده «والدین سرراهی - پدر و مادر‌های کهن‌سالی که فرزندان ذکور یا از مسئولیت نگهداری آنها عاجزند یا این مسئولیت را نمی‌پذیرند- نیز وجود ندارد؛ یعنی، در این دنیای رمانتیک، والدین نه‌فقط از عهده نگهداری از خودشان برمی‌آیند، بلکه دختران و زنان خانواده را می‌شود با خیال راحت به ایشان سپرد، فقط یادمان باشد که حق و حقوق مالی و ارث فرزندان ذکور خانواده‌تمام‌وکمال رعایت شود. زن این دنیای رمانتیک نیز خیالی و جمع اصادا است. «مظهر لطافت و محبت و آرامش است»، اما همه این لطافت و آرامش و محبت به این علت است که هم دستش به جایی بند نیست که بتواند در برابر خشونت از خودش دفاع کند و هم بلد نیست که مصادیق خشونت را تفسیر کند و اصولا هم بهتر است و می‌توان او را همیشه در این دنیای خیالی نگه داشت تا تفهمد که مثلاکنک‌خوردن او یا فرزندان‌ش از همسر معناد یا تجاوز به حقوق او یا سایر رزنان و دختران خانواده، از خردسال و پیر و جوان ممکن است مصداق خشونت باشد. برای این کار کافی است که با جلوگیری از تصویر لویاچی مثل منع خشونت با زنان، آب را نشان این مظهر لطافت و محبت و آرامش» نداد، زیرا که شاگرد ماهری است. در دنیای رمانتیک ایشان، جایی برای خانواده‌های بدسرپرست یا ازهم‌پاشیده با زنان سرپرست خانوار و مسائل آنها وجود ندارد، چون فرض بر این است که همه کودکان خردسال، اعم از دختر و پسر و همه زنان به اغوش گرم خانواده‌هایی سپرده شده‌اند که مردانی قدرتمند و متمکن و توانا سرپرستی آنها را برعهده دارند. در دنیای رمانتیک ایشان، آمار و ارقام خشونت با زنان و دختران خانواده و چشمداشت مردان به زنان خارج از چارچوب خانواده بسیار اندک و استثنایی است و قربانیان خشونت نیز معدودتر از آن هستند که نیاز به وضع قوانین داشته باشند. در این دنیای ذهنی و رمانس ساخته، این واقعیت نادیده گرفته می‌شود که در ایران تمام موارد خشونت خانگی شایع بوده است، به‌ویژه آمار خشونت خانگی جسمانی که بیش از ۶۰ درصد زنان ایرانی دست‌کم یک‌بار طعم آن را چشیده‌اند، چندان بالاست‌که تشخیص مصادیق آن از طرف این «مظهر لطافت و محبت و آرامش» دشوار نیست، مگر اینکه عبارت «مظهر لطافت و محبت و آرامش» را «مظهر بی‌اطلاعی و بی‌حسی در برابر آزار جسمانی» بدانیم و تصور کنیم که تصویب لایحه منع خشونت با زنان ناگهان باعث حساسیت مراکز عصبی و جسمی در برابر درد می‌شود.

ادامه دارد...

خبر

مانده‌اند! «بی‌خوراکی» ادعای برخی افراد مبنی بر توانایی زندگی بدون خوردن غذاست که از سوی مجامع علمی رد شده است. افراد معتقد به بی‌خوراکی، غذا و در برخی موارد آب را برای انسان غیرضروری می‌دانند و معتقدند که فقط به‌وسیله پیرانا (نیروی حیات‌بخش در هندوئیسم) می‌توان به زندگی ادامه داد. برخی از آنها مدعی هستند که با دریافت انرژی از نور خورشید نیاز خود را برطرف می‌کنند. این خبر به حدی غیرعلمی و مضحک بود که نویسنده این مطلب دلیلی برای توضیح آن ارائه نمی‌دهد.

ایسنا: سایت گیزمودو چند خبر نادرست را که درباره مسائل علمی در سال ۲۰۱۷ به صدر اخبار رفته‌اند، بررسی و منتشر کرده است:
● **یک دانشمند عمل پیوند سر را روی یک جسد انجام داد:** احتمالا تابه‌حال نام «سرجیو کاناوورو»، پزشک جراحی‌ای را که در پی تحقیق پیوند سر در انسان است، شنیده‌اید. اگر به خبرگزاری تلگراف رجوع کنید، تصور می‌کنید این کار محقق شده است! اما حقیقت آن است که این عمل روی یک جسد انجام شده است.
● **یک زوج از سال ۲۰۰۸ بدون خوردن غذا زنده**